

توصیف ساختمان فعلی گویش آبیز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۰

محمدحسین قریشی^۱

احسان ناصحی^۲

حسن امامی^۳

چکیده

روستای آبیز شهرستان زیرکوه در استان خراسان جنوبی، به دلیل نزدیکی به کویر، واقع شدن در منطقه کوهستانی، در گذر تاریخ کمتر مورد تاخت و تاز و هجوم بیگانگان قرار گرفته و در نتیجه گویش آن پاکیزه‌تر و دست نخورده‌تر باقی مانده است. این گویش از گویش‌های فارسی نو محسوب می‌شود و نسبت به زبان فارسی کمتر تحول یافته و عوامل بیرونی کمتر بر آن اثر گذاشته است و بسیاری از ویژگی‌های فارسی کهن را حفظ کرده است. این پژوهش در پی آن است تا توصیفی همزمانی از ساختمان فعلی گویش آبیز ارائه کند. در بررسی‌ها مشخص شد که در این گویش، افعال شامل بسیط (ساده) و غیر بسیط (مرکب، پیشوندی، عبارت فعلی) می‌شوند و هر کدام از آنها به همراه اجزایی چون پیشوندها، ریشه‌ها، شناسه‌های فعلی، ساختمان فعلی گویش آبیز را تشکیل می‌دهند. همچنین مشخص شد که در گویش آبیز، به لحاظ پیشوندها، شناسه‌ها و زمان‌های مختلف بین افعال این گویش و زبان فارسی رسمی تفاوت‌هایی وجود دارد.

واژگان کلیدی: گویش آبیز، فارسی رسمی، توصیف ساختمان فعل

۱. استادیار دانشگاه بیرجند smh_ghoreishi@birjand.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه بیرجند nasehi.ehsan@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه بیرجند hemami@birjand.ac.ir

مقدمه

در بین روستاهای شهرستان زیرکوه، روستای آبیز، به‌عنوان بزرگترین و قدیمی‌ترین روستای منطقه می‌تواند نمادی از فرهنگ شهرستان زیرکوه باشد. آن‌گونه که از شواهد و قرائن پیداست و همین‌طور بررسی‌های میراث فرهنگی خراسان جنوبی در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۴ (نامه شماره ۶۷۵۷-۱۴۸)، قدمت این روستا به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد. نام روستای آبیز که به معنی شراره آتش است، مؤید این ادعاست. بسیاری از بزرگان روستا از آثار آتشکده‌ای نام می‌برند که تا ۶۰ الی ۷۰ سال پیش وجود داشته ولی به دلیل زلزله و بعضی سهل‌انگاری‌ها آثار آن از بین رفته است. وجود قلعه کوهی در حاشیه غربی که دارای دژها و استحکامات مناسبی برای جلوگیری از حمله دشمنان بوده و همین‌طور درخت سروی در قلب روستا که قدمت آن به حدود ۲۰۰۰ سال می‌رسد، از جمله‌ی دیگر آثار است. در چندین نقطه از حاشیه روستا آثار گورستان‌هایی به چشم می‌خورد که به همراه اجساد آن، اشیاء مختلفی دفن شده است و بررسی‌ها نشان می‌دهد که این گورستان‌ها متعلق به دوران قبل از اسلام است. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این روستا آن است که کمتر در معرض فرهنگ‌های مختلف قرار گرفته و بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی آن بکر و دست‌نخورده باقی مانده است. یکی از این ویژگی‌های فرهنگی، گویش محلی مردم است که تا حدود زیادی اصالت خود را حفظ کرده است و بسیاری از عبارات و واژه‌هایی که مردم این منطقه در محاورات روزمره به کار می‌برند، کلمات و واژه‌هایی اصیل است که ریشه در فرهنگ کهن ایرانی دارد. در برخی کتب، از آبیز به‌عنوان یک روستای مهم با امکانات خاص یاد شده است. کتاب "کبریت‌احمر"، و همین‌طور "عبور از صحاری ایران" نوشته آلفونس گابریل^۱ و کتاب "بهارستان آیتی"، از جمله این کتاب‌هاست.

با توجه به بکر و دست‌نخورده بودن فرهنگ منطقه و از جمله گویش محلی آن و همین‌طور با توجه به قدمت زیاد روستای آبیز، این پژوهش قصد دارد به بررسی و توصیف ساختمان فعلی گویش محلی این روستا بپردازد.

1. Alfo, Gabriel

گویش‌شناسی یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که به مطالعه، بررسی و توصیف جوانب مختلف گویش‌ها و ثبت و ضبط ویژگی‌های آن می‌پردازد (شیری، ۱۳۸۶: ۴۲). هدف از گویش‌شناسی گردآوری گویش‌ها و توصیف علمی آنهاست و هرچه زودتر صورت پذیرد سودمندتر خواهد بود، زیرا همان‌طور که می‌دانیم اقبال مردم به سوادآموزی و ازدیاد آموزشگاه‌ها و توسعه رسانه‌های همگانی و ارتباط فراوان و سریع مردم شهرها و روستاهای مختلف با یکدیگر و عوامل گوناگون اجتماعی موجب شده که گویش‌ها با سرعت دگرگون گردند و به تدریج زبان رسمی جایگزین زبان‌های محلی و گویش‌ها می‌شود و شاید بسیاری از آنها در آینده‌ای نزدیک از بین بروند و یا دست کم بسیاری از واژه‌ها ویژگی‌های خود را از دست بدهند (رضایی، ۱۳۷۳: ۹).

از منظر دیگر گردآوری گویش‌ها و توصیف علمی آنها می‌تواند مشکلات زیادی را در رابطه با مشکلات فقه اللغوی و دستوری زبان فارسی حل کند و واژگان آنها در ساختن واژه‌های نو مورد استفاده قرار گیرد (زمردیان، ۱۳۷۹: ۱۳).

پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون در ارتباط با گویش آبیز، هیچ‌گونه پژوهش علمی صورت نگرفته است و بنابراین می‌توان گفت که تمام جوانب آن کماکان ناشناخته باقی مانده است. این در حالی است که در استان خراسان جنوبی، مطالعاتی پیرامون گویش بیرجند و گویش قاین صورت گرفته و در قالب کتاب منتشر گردیده است. جمال رضائی در کتاب بررسی گویش بیرجند توصیف مفصلی از فارسی بیرجندی شامل واج‌شناسی، دستور و فرهنگ مختصری از واژه‌های آن ارائه کرده است. رضائی که خود گویشور این گویش است ویژگی‌های این گویش را به تفصیل بررسی کرده و در هر مورد مثال‌های فراوانی برای آن‌ها به‌دست داده است. *واژه‌نامه گویش بیرجند*، نوشته‌ی جمال رضایی، شامل واژه‌هایی است که در گویش مردم بیرجند به‌کار می‌رود. این کتاب از یک مقدمه، متن واژه‌نامه و دو پیوست تشکیل شده است. متن واژه‌نامه شامل ۱۵۰۰۰ واژه است که در شهر بیرجند و پیرامون آن تا شعاع ۱۵ کیلومتری رواج دارد. "بررسی گویش قاین"، تألیف رضا

زمردیان یکی دیگر از کتبی است که در توصیف یکی از گویش‌های محلی ایران به زبان فارسی نوشته شده است. گویش قاین گویش مادری مؤلف است. بخش چهارم این کتاب به دستگاه فعل اختصاص دارد و در آن توصیف دقیقی از فعل قاینی ارائه شده است. با این وجود گویش آبیز هم به لحاظ آوایی و هم به لحاظ دستوری و واژگانی، با این دو گویش تفاوت دارد و از این رو، مطالعه‌ی آن به‌عنوان گویشی مستقل، شایسته‌ی انجام پژوهش است. بنابراین، این پژوهش را می‌توان در زمره‌ی نخستین گام‌هایی دانست که به بررسی یکی از جنبه‌های دستوری گویش آبیز می‌پردازد.

روش تحقیق

نگارندگان با فرهنگ مردمی که قصد مطالعه گویش آن‌ها را دارند، کاملاً آشنا هستند، لذا با بررسی‌های میدانی از جمله مصاحبه با گویشوران بومی این گویش، به جمع‌آوری داده‌های تحقیق و پیکره زبانی خود پرداخته‌اند. سپس با مقایسه این داده‌ها در حوزه‌ی ساختمان فعلی، تفاوت‌های احتمالی را بررسی و تحلیل خواهند کرد. برای به‌دست آوردن داده‌های این پژوهش، نخست واژه‌های این گویش بی‌واسطه و مستقیماً از زبان گویشوران آن، همراه با تلفظ، گردآوری و آوانویسی شد. سپس تعداد زیادی از ترکیب‌ها، تعبیرها، جمله‌ها و عبارت‌های این گویش برای به‌دست آوردن پیکره زبانی از طریق روش رایج در گویش‌شناسی که همانا گفت‌وگوی مستقیم و پرسش و پاسخ و گفت و شنود با گویشوران و ثبت گفتار و مکالمات روزانه آنان است، به‌دست آمد. در نهایت فهرست کاملی از افعال موجود در داده‌ها تهیه و با تقسیم‌بندی آنها در گروه‌های مختلف، به بررسی و توصیف ساختمان افعال و همین‌طور زمان‌های مختلف آن‌ها، پرداخته شد.

فعل: «یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها در باب فعل، تقسیم بندی بر پایه‌ی ظاهر ساختمان یا اجزای تشکیل دهنده‌ی فعل است. بر این مبنای تقسیمات متعددی صورت گرفته است. دستورنویسان فعل را دست کم به دو بخش ساده و مرکب تقسیم کرده‌اند. البته برخی به سه نوع و برخی اقسام بیشتری هم قائلند. بیشترین

اختلاف نظر و مباحث گوناگون درباره‌ی فعل در همین بحث ساخت ظاهری فعل است...» (همان: ۱۲۹). در گویش آبیز فعل‌ها به‌طور کلی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: بسیط (ساده) و غیر بسیط (پیشوندی، مرکب و...). فعل‌های ساده نیز دارای دو بخش با قاعده و بی‌قاعده می‌باشند. به‌طور کلی فعل‌ها در گویش آبیز اجزا و انواع مختلفی دارند که در زیر اجزای اصلی تشکیل دهنده‌ی افعال و انواع آن بررسی می‌شود. در ادامه بحث ضرورت دارد که به مصدر اشاره شود.

مصدر در گویش آبیز هم‌چون فارسی رسمی از ستاک گذشته به اضافه‌ی «-ن» (an-) ساخته می‌شود با این تفاوت که در گویش آبیز، در حالت مجرد، مصدر فاقد همخوان «ن» /n/ می‌باشد. بنابراین علامت مصدر در گویش آبیز، واکه‌ی «-» /ε- است که در حالت اضافه، همخوان «ن» /n/ آن ظاهر می‌شود. با این وجود لازم به ذکر است که کاربرد مصدر در گویش آبیز بسیار کم است و به‌ندرت ممکن است استفاده گردد:

خورده /xordε/ «خوردن» - بُرده /bordε/ «بردن»

خورده عیبِ نَدَرَه، بُرده بده /xordε eybe ne-darε, bordεbedε/ خوردن اشکال ندارد، بردن بد است.

ریشه‌ها: هر فعل دارای ریشه‌ای است که ستاک حال و ستاک گذشته از آن ساخته می‌شوند. ریشه جزء تجزیه‌ناپذیر فعل است (همان: ۷۵).

ستاک حال: ستاک حال از مصدر به‌دست می‌آید. رابطه‌ی این دو تا حدی قاعده‌مند است اما ارتباط صرفی پایدار و روشنی ندارند. محققان فعل‌ها را برحسب رابطه‌ی ستاک حال با مصدر به طبقات و طبقاتی فرعی تقسیم کرده و متذکر شده‌اند که در بیشتر طبقات بی‌قاعدگی‌هایی هست (ماهوتیان، ۱۳۹۰: ۲۱۹). ستاک حال در گویش آبیز نیز در مورد افعال بی‌قاعده، سماعی است ولی در مورد افعال باقاعده می‌توان با حذف علامت مصدر و علامت زمان گذشته و پیشوندهای فعلی به آن پی برد:

افعال بی‌قاعده: ستاک حال در مورد مصدرهای پُخته /poxtε/ «پختن»، دیده /dide/ «دیدن»، شُسته /šoste/ «شستن» به‌صورت زیر است:

پُخته /poxtε/ «پختن»: ستاک حال ← پَز /peZ/ «پَز» (مِپَزُم /me-peZ-om/

«می پَزَم»،

دیدَه /didε/ «دیدَه»: ستاک حال ← بین /bin/ «بین» (مِبینم) /me-bin-om/

«می بینم»،

افعال باقاعده: در مورد افعال باقاعده ستاک زمان گذشته با افزودن «د» /d/، «ید» /id/، «ت» /t/ به ستاک حال ساخته می شود:

خُرَدَه /xordε/ «خوردن»: ستاک حال ← خُر /xor/ «خور» (مِخُرُم) /me-xor-om/

«می خورم»،

ستاک گذشته ← خُرد /xord/ «خورد» (بِخُرْدُم) /be-xord-om/ «خوردم»،

در اینجا باید به دو نکته اشاره شود:

نکته ۱: با ستاک حال می توان زمان حال، مضارع التزامی و امر را ساخت:

مضارع التزامی: پَز /peZ/ «پز» ← پِپَزُم /be-peZ-om/ «پیزم»،

امر: پَز /peZ/ «پز» ← بِپَز /be-peZ/ «پیز»،

نکته ۲: ستاک حال برای تمام اشخاص، چه در حالت مفرد و چه در حالت جمع،

چه برای وجه اخباری و چه التزامی، یکسان باقی می ماند و فقط یک گونه دارد؛ به جز

فعل امر که در این صورت معمولاً همخوان پایانی آن، حذف می گردد و یا ممکن است

به لحاظ آوایی، متفاوت ادا شود:

زَدَه /zεdε/ «زَدَن»: ستاک حال ← زَن /zεn/ «زن» (مِزَنُم) /me-zεn-om/ «می زنم»

- مِزَنَه /me-zεn-ε/ «می زند»،

فعل امر ← بَزَه /be-zε/ «بزن»،

۲) ستاک گذشته: ستاک گذشته به صورتی قاعده مند و با حذف -an از مصدر به دست

می آید (همان: ۲۲۴). در گویش آبیز نیز، ستاک گذشته را می توان با حذف نشانه‌ی

مصدر یعنی -/ε/، به دست آورد:

مثال

ستاک گذشته

مصدر

پُختَه /poxtε/ «پختن» پُخت /pox(t)/ «پخت» بِپُختُم /bo-poxt-om/ «پختم»

رَفْتَه /reftε/ «رفتن» رَفْت /raft/ «رفت» بَرَفْتُم /be-raft-om/ «رفتم»

در گویش آبیز، زمانی که فعل فاقد پسوند و یا شناسه‌ی فعلی است (مثل سوم شخص مفرد گذشته‌ی ساده)، ستاک گذشته به صورت متفاوت ادا می‌شود و در اکثر موارد یا هم‌خوان پایانی و یا خوشه‌ی هم‌خوان پایانی آن از پایان ستاک می‌افتد:

خُرَدَه /xordɛ/ «خوردن»: ستاک گذشته ← خُرَد /xord/ «خورد» (بُخُرْدَم /bo-xord-om/ «خوردم»)

ستاک گذشته برای سوم شخص مفرد ← خُو /xo/ «خو» (بُخُو /bo-xo/ «خورد») همچنین از ستاک گذشته در ساخت تمام فعل‌های زمان گذشته (ساده، نقلی، بعید و ...) و همین‌طور صفت مفعولی و زمان آینده استفاده می‌شود:

بُرْدَه /bordɛ/ «بردن»: ستاک گذشته ← بُرْد/بُو /bord/bo/ «برد»
ماضی نقلی: بُبْرَدَم /bo-bord-am/ «برده‌ام»- ماضی بعید: بُبْرَدَه بُدَم /bo-bord-ɛ/ bod-om/ «برده بودم»،

آینده: بُخُم بُو /bo-xom-bo/ «خواهم برد»

به‌علاوه ستاک گذشته ممکن است بر حسب نوع شناسه‌ی فعلی و یا عدم وجود شناسه و یا تغییر جای تکیه در فعل، دچار تغییرات آوایی گردد. مثلاً در اکثر موارد واکه‌ی پایانی ستاک، در ماضی نقلی با تغییر جای تکیه، به واکه‌ی /ɛ/ و یا /a/ بدل می‌شود و یا واکه‌ی /a/ که در اصل فعل وجود داشته، به واکه‌ی /ɛ/ تبدیل می‌شود. تمامی صیغه‌های زمان آینده، که فعل در آن‌ها فاقد پسوند یا شناسه‌ی فعلی است، خوشه‌ی هم‌خوان پایانی، از ستاک حذف می‌گردد:

بَقْتَه /baftɛ/ «بافتن»: ستاک‌های گذشته ← بافت /bft/، باف /bf/، بَقْت /baft/ «بافت»

ستاک گذشته‌ی ساده: بافت /bft/ «بافت» (بِبِافْتَم /be-bft-om/ «بافتیم»)، ستاک گذشته برای ماضی نقلی: بَقْت /baft/ «بافت» (بِبَقْتَم /be-baft-am/ «بافتیم»)،

ستاک فعل در سوم شخص مفرد گذشته ساده: باف /bf/ «بافت» (بِبِاف /be-bf/ «بافت»)

ستاک گذشته مورد استفاده در زمان آینده: باف /bf/ «بافت» (بُخُم باف /bo- /xom-bf/ «خواهم بافت»)،

پیشوندها: مهمترین پیشوندهای افعال در گویش آبیز عبارتند از:

- م- /me-/ یا م- /mo-/: این پیشوند برای بیان فعل در زمان حال اخباری و یا دادن نمود عادی و استمراری به صورت‌های افعال در زمان حال و گذشته به کار می‌رود:

حال اخباری: مَخْرُم /me-xer-om/ «می خرم» مَخْرِن /me-xer-en/ «می خرید»،

وَرْمُگَم /ver-mo-g-om/ «می گویم» وَرْمِگِن /ver-me-g-en/ «می گوید»،

ماضی استمراری: مَخْرِیدُم /me-xerid-om/ «می خریدم» مَخْرِیدِن /me-

xerid-en/ «می خریدید»،

وَرْمُگَفْتُم /ver-mo-goft-om/ «می گفتم» وَرْمُگَفْتِن /ver-mo-goft-en/

«می گفتید»،

ماضی نقلی استمراری: مَخْرِیدَم /me-xerid-am/ «می خریدم» مَخْرِیدِن /me-

xerid-en/ «می خریدید»،

- ب- /be-/ یا ب- /bo-/: از این پیشوند برای بیان فعل به صورت حال التزامی،

امری و آینده، و همین‌طور بیان فعل در صورت‌های مختلف زمان گذشته، به جز در افعال

پیشوندی (مثل وَرگَفْتَه /ver-goftε/ «گفتن») و افعال بُدَه /bodε/ «بودن»، شِدَه /

šede/ «شدن»، کِرَدَه /kerdε/ «کردن»، دَشْتَه /deštε/ «داشتن» و دِیدَه /didε/

«دیدن» به کار می‌رود:

حال التزامی: بَخْرُم /be-xer-om/ «بخرم» بَخْرِن /be-xer-en/ «بخزند»،

امری: بَخْر /be-xer/ «بخر»

آینده: بُخُم خَرِی /bo-x-om xeri/ «خواهم خرید» - مَه بَخْرُم /ma be-xer-

om/ «میخواهم بخرم»،

گذشته: بَخْرِیدُم /be-xerid-om/ «خریدم» بَخْرِیدَم /be-xerid-am/ «خریدم»،

- ن- /ne-/ یا ن- /no-/: از این پیشوند برای منفی ساختن افعال در گویش آبیز

استفاده می‌شود:

/be-ne-xerid-om/ بِنَخْرِیدَمْ «نخریدم»، بِنُخْرَدَمْ /be-no-xord-am/ «نخورده‌ام»، نُمُخْرُمُ /no-mo-xor-om/ «نمی‌خورم»، نِمِدُونُمُ /ne-me-dun-om/ «نمی‌دانم»، وَرَنُگُفْتِی /ver-no-goft-i/ «نگفتی»،

- مَ - /-ma/ : از این پیشوند برای بیان افعال امری در مفهوم نهی از انجام کار، استفاده می‌گردد:

مَخُو /ma-xo/ «نخور»، مَرُو /ma-row/ «نرو»، مَکُو /ma-ku/ «نکن»، مَشِی /ma-ši/ «نشین» و ...

- وَر /-ver/، وَ /-va/، دِ /-de/ : تعداد زیادی از افعال در گویش آبیز با این سه پیشوند همراه هستند که به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی از آن‌ها همیشه با یکی از این پیشوندها می‌آیند و هیچ‌گاه در هیچ زمانی بدون پیشوند به کار نمی‌روند؛ و گروهی که هم می‌توانند با یکی از این سه پیشوند بیایند و هم بدون این پیشوندها. البته مفهوم این افعال در زمانی که همراه این پیشوندها می‌آیند با مفهوم آن‌ها در زمانی که فاقد پیشوند هستند، متفاوت است:

الف) نمونه‌هایی از افعالی که هم با این پیشوندها می‌آیند و هم بدون آن‌ها:

وَراشکَسْتَه /ver-eškeste/ «خاتمه دادن کاری»:

عروسونی-ر وَراشکَسْتَن؟ /erusuni-r ver-eškasten/ «[مراسم] عروسی را به پایان رساندند؟»،

وَرَزَدَه /ver-zede/ «چیدن گل»:

گُلار وَرَزَدَمْ /gol-r ver-zed-om/ «گل‌ها را چیدم»،

دِمَلونَدَه /de-malunde/ «آغشته کردن»:

رَنگار وَر دیوال دِمَلونَدِی؟ /reng-r verdivl de-malundi/ «دیوار را به رنگ‌ها آغشته کردی؟»،

ب) نمونه‌هایی از افعالی که همیشه با پیشوند می‌آیند:

وَرگُفْتَه /ver-gofte/ «گفتن»، وَرَبَسْتَه /ver-bešte/ «بستن با طناب یا نخ»،

دِبَسْتَه /de-bešte/ «بستن در یا پنجره»، وَبَسْتَه /va-bešte/ «بستن کانال آب»،

ولیچونده /va-ličundε/ «له کردن»، وَرگشته /vεr-geštε/ «برگشتن»، دِگشته /de-geštε/ «چرخیدن»، دِگفته /de-koftε/ «انباشته کردن»، دِخَرچیده /de-xεračidε/ «خراش دادن»، دِگرونده /de-gerundε/ «روشن کردن (چراغ یا آتش)»، وَرخزیده /vεr-xεzidε/ «بیدار شدن»، دِخزیده /de-xεzidε/ «خزیدن»، وَرخسته /vεr-xεstε/ «برخاستن».

در اینجا باید به چند نکته اشاره کرد:

نکته ۱: انتخاب بین هر کدام از صورت‌های دوگانه‌ی /me-/ و /mo-/، /be-/ و /bo-/، /ne-/ و /no-/، به اولین واکه‌ی پس از این پیشوندها بستگی دارد که اگر /o/ و /u/ باشد، در اکثر موارد به دلیل هم‌گونی با این واکه‌ها، صورت‌های /mo-/، /bo-/ و /no/ مورد استفاده قرار می‌گیرد: مُفروشُم /mo-fruš-om/ «می‌فروشم»، بُفروختم /bo-fruxt-om/ «فروختم»، بُنُفروختم /be-no-fruxt-om/ «نُفروختم»، وَرْمُگم /vεr-mo-g-om/ «می‌گویم»، وَرْنُگم /vεr-no-mo-g-om/ «نمی‌گویم».

اما با این وجود، افعالی هستند که از این قاعده پیروی نمی‌کنند از جمله: دُونِسته /dunestε/ «دانستن»: مِدُونُم /me-dun-om/ «می‌دانم»، مِدُونِستُم /me-dunest-om/ «می‌دانستم».

سوخته /suxtε/ «سوختن»: بِسوختُم /be-suxt-om/ «سوختم»، مِسوزُم /me-suz-om/ «می‌سوزم».

وَرْدُوخته /vεr-duxtε/ «دوختن»: وَرْمِدوزُم /vεr-me-duz-om/ «می‌دوزم»، وَرْنِدُوختم /vεr-ne-duxt-om/ «ندوختم».

نکته ۲: پیشوند منفی ساز /-ne/، همواره همراه دو پیشوند دیگر استفاده می‌شود و همیشه قبل از پیشوند /me/ یا /mo/ و پس از پیشوند /be/ یا /bo/ می‌آید: بِنَخْرِیدُم /be-ne-xεrid-om/ «نخریدم»، اما: نِمَخْرُم /ne-me-xεr-om/ «نمی‌خرم».

نکته ۳: در افعال پیشوندی که علاوه بر جزء فعلی، پیشوند نیز دارند، همچون فارسی رسمی، هر کدام از پیشوندهای فوق بین جزء فعلی و پیشوند فعل می‌آیند:

وَرِمِگَم /ver-me-g-om/ «می گویم»، دِمِبنْدُم /de-me-bend-om/ «می بندم»،
وَرِنِدَاشْتُم /ver-ne-dšt-om/ «برنداشتم»، وَرِمَدَار /ver-ma-dr/ «برندار»، وَرِمِخَرُم
/ver-me-xez-om/ «برمی خیزم»،

نکته ۴: اگر ستاک حال یا گذشته با واکه آغاز شود، واکه‌ی پیشوندهای فوق در
هنگام اضافه شدن به فعل، حذف می‌گردد:

اومَدَه /umɛdɛ/ «آمدن»: بومَدُم /b-umɛd-om/ «آمدم»،
اِشکَسْتَه /eškɛstɛ/ «شکستن»: بِشکَسْتُم /b-eškast-om/ «شکستم»،
اِشْنَخْتَه /ešnextɛ/ «شناختن»: مِشْنَسُم /m-ešnas-om/ «می شناسم»، نِشْنَاخْتُم
/n-ešnxt-om/ «نشناختم»،

شناسه‌های فعل: شناسه‌های فعلی در گویش آبیز پسوندهایی هستند که به آخر
ستاک حال و گذشته‌ی افعال افزوده می‌شوند و مفهوم شخص و شمار را می‌رسانند.
شناسه‌های فعلی در گویش آبیز برای زمان‌های مختلف به صورت‌های متفاوتی می‌آیند:

۱- برای زمان حال و آینده نزدیک:

شمار	مفرد	جمع
اول	/-om/ مْ	/-em/ مِ
دوم	/-i/ یِ	/-en/ نِ
سوم	/-ɛ/ عِ	/-ɛn/ نِ

صرف فعل پخته /poxte/ «پختن»:

جمع		مفرد		شمار شخص
می‌پزیم	می‌پزیم /me-peZ-/ /em	می‌پزم	می‌پزَم /me-peZ-/ /om	اول
می‌پزید	می‌پزید /me-peZ-/ /en	می‌پزی	می‌پزی /me-/ /pez-i	دوم
می‌پزند	می‌پزند /me-peZ-/ /en	می‌پزد	می‌پزه /me-peZ-/ /ε	سوم

۲- برای زمان‌های گذشته به استثنای ماضی نقلی:

جمع		مفرد		شمار شخص
	م- /-em/	م- /-om/		اول
	ن- /-en/	ی- /-i/		دوم
	ن- /-en/	_____		سوم

نکته: برای ماضی التزامی، شناسه‌ی سوم شخص مفرد «- /ε-»، وجود دارد و در

صرف فعل استفاده می‌شود:

بُپخته به /bo-poxte-b-ε/ «پخته باشد»، و یا: بُپخته بشه /bo-poxtebaš-ε/

«پخته باشد».

صرف فعل پخته /poxtɛ/ «پختن»:

جمع		مفرد		شمار شخص
پختیم	bo-poxt-/ /em	پختم	bo-poxt-/ /om	اول
پختید	bo-poxt-/ /en	پختی	bo-/ /pox-t-i	دوم
پختند	bo-poxt-/ /ɛn	پخت	bo-/ /pox-t	سوم

۳- برای گذشته‌ی نقلی:

جمع		مفرد		شمار شخص
	/-em/ م̄		/-am/ م̄	اول
	/-en/ ن̄		/-ey/ ی̄	دوم
	/-ɛn/ ن̄		/-ɛ/ َ	سوم

صرف فعل پخته /poxtɛ/ «پختن»:

جمع		مفرد		شمار شخص
پخته‌ایم	bo-poxt'-/ بُپُختِم /em	پخته‌ام	bo-poxt'-/ بُپُختِم /am	اول
پخته‌اید	bo-poxt'-/ بُپُختِن /en	پخته‌ای	bo-poxt'-/ بُپُختِی /ey	دوم
پخته‌اند	bo-poxt'-/ بُپُختِن /ɛn	پخته است	bo-poxt'-/ بُپُختَه /ɛ	سوم

نکته: برای ماضی نقلی، تکیه به هجای آخر منتقل می‌شود.

۴- برای زمان آینده:

جمع		مفرد		شمار شخص
	/-ɛm/ مَ-		/-om/ مَ-	اول
	/-ɛn/ نَ-		/-ey/ یَ-	دوم
	/-ɛn/ نَ-		/-a/ اَ-	سوم

نکته: شناسه‌ی دوم شخص جمع و سوم شخص جمع، برای زمان آینده دقیقاً یکسان است.

صرف فعل پُختَه /poxtɛ/ «پختن»:

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	bo-x-om / بُخُم پُخ / /pox پخت	be-x-ɛm / بَخَم پُخ / /pox خواهیم پخت
دوم	be-x-ey / بَخِی پُخ / /pox پخت	be-x-ɛn / بَخَن پُخ / /pox خواهید پخت
سوم	/be-x-a pox/ بَخَه پُخ / /pox پخت	be-x-ɛn / بَخَن پُخ / /pox خواهند پخت

افعال بسیط (ساده): فعل ساده فعلی است که مصدر آن بیش از یک واژه نباشد. مانند: گرفتن، آلودن، طلبیدن (انوری، ۱۳۹۰: ۲۰). «فعل ساده (بسیط) آن است که از یک جزء تشکیل شده باشد مانند: رفتن، آمدن ...» (فرشید ورد، ۱۳۸۴: ۳۱۴). بنا به این تعاریف، تمامی افعال ارائه شده در بالا، به جز افعال پیشوندی، از نوع افعال ساده یا بسیط گویش آبیز محسوب می‌شوند، مانند:

بُپُخْتَم /bo-pox-t-om/ «پختم»، مُفْرُوشُم /mo-fruš-om/ «می‌فروشم»، بُخُم بو /bo-x-om bo/ «خواهم برد»، بَشِنَاخْتِ /b-ešnxt-i/ «شناختی»، بَشَكَه /b-eška/ «شکست»، بَشُوپِم /be-šuy-em/ «بشویم».

افعال غیر بسیط: فعل غیر بسیط آن است که از دو یا چند جزء به وجود آمده باشد، مانند: وارفتن و فریب دادن ... (همانجا). بر اساس این تعریف، افعال پیشوندی، افعال مرکب و عبارتهای فعلی، در گویش آبیز، جزء افعال غیر بسیط تقسیم می‌شوند:

۱) افعال پیشوندی: پرویز ناقل خانلری (۱۳۷۳: ۱۷۶) درباره‌ی فعل پیشوندی معتقد است: «بعضی فعل‌ها از یک ماده‌ی اصلی با یک جزء پیوندی ساخته شده است که همیشه پیش از فعل می‌آید و معنی آن از معنی فعلی که تنها شامل ماده‌ی اصلی است؛ یعنی ساده است، جداست مانند: برآمدن، باز آمدن و فراز آمدن و ...». در گویش آبیز افعال زیادی وجود دارند که اکثر آن‌ها با پیشوندهای «وَر» /-vɛr/، و /-va/، د /-de/ ساخته می‌شوند و معنی آن‌ها از معنی فعل بسیط آن متفاوت می‌شود مانند:

وَرِاشکَسْتَه /vɛr-eškɛstɛ/ «پایان دادن، خاتمه دادن مراسمی»، وَرِاندَخْتَه /vɛr-ɛndɛxtɛ/ «پهن کردن لباس روی بند»، وَرَزَدَه /vɛr-zɛdɛ/ «چیدن گل زعفران»، وَبَسْتَه /va-bɛstɛ/ «بستن کانال آب»، وَرَفْتَه /va-rɛftɛ/ «جا خوردن، وارفتن»، دِگِشْتَه /de-geštɛ/ «چرخیدن»، دِمَلونَدَه /de-malundɛ/ «آغشته کردن».

۲) افعال مرکب: فعلی است که از یک صفت یا اسم با یک فعل ساده ساخته می‌شود و مجموعاً یک معنی را می‌رساند: زمین خوردن (انوری، ۱۳۹۰: ۲۰) در گویش آبیز نیز افعال زیادی وجود دارند که می‌توانیم آن‌ها را فعل مرکب محسوب کنیم:

- اسم + فعل (کمکی): نَک/دَنَدو کَنَدَه /nak/dandukɛndɛ/ «گاز گرفتن»، سَرپولوک خورَدَه /sɛrpolokxordɛ/ «سکندری خوردن»، پَسینگ کَنَدَه /pesingɛndɛ/ «ویشگون گرفتن»، یَکچویَه کِرَدَه /yɛkčuyɛkerdɛ/ «اصرار کردن».

- صفت + فعل (کمکی): رُوشَه کِرَدَه /rušɛkerdɛ/ «روشن کردن».

- قید + فعل ساده ← تَه اومَدَه /ta umɛdɛ/ «پیاده شدن، پایین آمدن»، بالا سِئِدَه /blšɛdɛ/ «بالا رفتن».

۳) عبارتهای فعلی: «فعلی است که از چند جزء جدای از هم تشکیل می‌شود و معنی واحد یک فعل را می‌رساند. به عبارت دیگر، عبارتی است که معنی و کار فعل را با خود دارد و گونه‌ای فعل است و چون از چند جزء تشکیل شده، آن را عبارت فعلی نامیده‌اند. عبارت فعلی دست کم سه جزء دارد و اغلب از یک حرف اضافه، یک اسم و یک فعل درست شده است؛ مثل از پای افتادن و ...» (مهرآوران، ۱۳۸۸: ۱۳۳). بر این اساس افعال زیر را در گویش آبیز عبارات فعلی محسوب می‌کنیم:

وَر بَر گَلِیدَه /vɛrβɛrgɛlidɛ/ «دراز کشیدن»، دِ زَر کِرْدَه /de zɛrkerdɛ/ «در زیر خاک کردن»، سَر بَدَر یِرْدَه /sɛrβɛdɛryardɛ/ «سر در آوردن»، خور وَر خو اِنْدَخْتَه /xorvɛrxu endɛxtɛ/ «پافشاری کردن».

نکته: تمامی عناصری که با فعل ساده ترکیب می‌شوند و فعل مرکب می‌سازند، قبل از فعل ساده می‌آیند. همچنین نشانه‌های صرفی شخص و شمار به بخش فعلی فعل مرکب متصل می‌شوند: یَلَه کِرْدُم /yɛlɛkerd-om/ «رها کردم».

افعال معین و صرف آن‌ها: فعل معین یا فعل کمکی فعلی است که در ساختن افعال دیگر به کار می‌رود و نشانگر زمان فعل یا ساخت مجهول است (انوری، ۱۳۹۰: ۳۱). افعال معین گویش آبیز عبارتند از:

- بَوَدَه /bodɛ/ «بودن»

گذشته‌ی ساده این فعل در ساخت ماضی بعید مورد استفاده قرار می‌گیرد:

بُپِخْتَه بُدُم /bo-poxtɛ bod-om/ «پخته بودم»،

نکته ۱: صرف آن در زمان گذشته هم‌چون سایر افعال با شناسه‌های زمان گذشته صورت می‌گیرد.

هم‌چنین حال التزامی آن در ساخت ماضی التزامی استفاده می‌شود:

بُپِخْتَه بَشُم /bo-poxtɛbaš-om/ «پخته باشم» و یا: بُپِخْتَه بُم /bo-poxtɛ-

/b-om/ «پخته باشم»

نکته ۲: حال التزامی این فعل به دو صورت صرف می‌شود: ساده و مخفف.

ساده: بَش + شناسه‌های زمان حال: بَشُم /baš-om/، بَشِی /baš-i/، بَشَه /baš-ɛ/

و ...

مخفف: ب + شناسه‌های زمان حال: بُم /b-om/، بی /b-i/، بَه /b-ɛ/ و ...

نکته ۳: صرف این فعل به عنوان فعل اصلی در زمان حال اخباری به دو صورت است:

الف) با شناسه‌ها:

م- /om-/ «آم» ← مَه یُم /mɛ y-om/ «من هستم» - خوبُم /xub-om/ «خوب

هستم»

ی- /i-/ «ای» ← تو یی /to-y-i/ «تو هستی» - خوبی /xub-i/ «خوب هستی»
 - /ε-/ «است» ← او یه /u-y-ε/ «او است» - خوبه /xub-ε/ «خوب است»
 -م /em-/ «ایم» ← ما یم /m-y-em/ «ما هستیم» - خوبم /xub-em/ «خوب
 هستیم»

-ن /en-/ «اید» ← شما ین /šom-y-en/ «شما هستید» - خوبن /xub-en/
 «خوب هستید»

-ن /εn-/ «اند» ← اونان /un-y-εn/ «آن‌ها هستند» - خوبن /xub-εn/ «خوب
 هستند»

نکته: هنگام اضافه شدن شناسه‌ها به واکه پایانی، «ی» /y/ میانجی جهت سهولت
 تلفظ اضافه می‌شود.

ب) با صرف فعل به صورت «هست» /hast/:

هست + شناسه‌های زمان حال: هستم /hast-om/، هستی /hast-i/، هسته /
 hast-ε/

هستیم /hast-em/، هستین /hast-en/، هستن /hast-εn/

- شده /šedε/ «شدن»:

در همه‌ی زمان‌ها برای ساختن فعل مجهول استفاده می‌شود:

شسته شده /šostešedε/ «شسته شده است»، ورزده شو /ver-zedεšo/ «چیده
 شد».

نکته: صرف آن در همه‌ی زمان‌ها هم‌چون سایر افعال است و فرقی ندارد:

ستاک حال: -ش - /-š-/ ← می‌شم /me-š-om/ «می‌شوم»، می /me-š-i/ «می شوی»،

بشم /be-š-om/ «بشوم»،

ستاک گذشته: شد /šed/ ← شدم /šed-om/ «شدم»، می‌شدم /me-šed-om/

«می‌شدم»، می‌شدم /me-šed-am/ «می‌شده‌ام»، شده بُم /šedε bod-om/ «شده

بودم» و ...

- داشته /dešte/ «داشتن»:

گذشته‌ی ساده‌ی این فعل در ساخت ماضی ملموس استفاده می‌شود:
 داشتم مُپختَم /dāšt-om mo-poxt-om/ «داشتم می‌پختم»، داش ورمِگِش
 داشت برمی‌گشت» /dāšver-me-geš/

همچنین ماضی نقلی آن در ساخت ماضی نقلی استمراری استفاده می‌شود:
 دَشْتَم ورمَزَدَم /dēšt-am ver-me-zed-am/ «داشته‌ام می‌چیده‌ام» (در حال
 چیدن بوده‌ام)

دَشْتِم مِشْسْتِم /dēšt-em me-šost-em/ «داشته‌ایم می‌شسته‌ایم» (در حال
 شستن بوده‌ایم)

نکته: این فعل نیز همراه فعل اصلی صرف می‌شود و هنگام صرف در زمان گذشته‌ی
 ساده، واکه‌ی /ε/ تبدیل به واکه‌ی /ā/ می‌شود.

حال اخباری آن در مقام فعل کمکی برای ساخت مضارع ملموس استفاده می‌شود و
 همراه فعل اصلی صرف می‌شود:

دَرُم مِپَزُم /dər-om me-pez-om/ «دارم می‌پزم»، دَرِی مُخوَرِی /dər-imo-
 /xor-i/ «داری می‌خوری» و...

- مَسْتَه /mestε/ «خواستن»:

از ستاک حال این فعل (مَه /ma/) در ساخت زمان آینده‌ی نزدیک استفاده می‌شود:
 مَه بِپَزُم /ma be-pez-om/ «می‌خواهم بپزم»، مَه بَخوَرِی /ma bo-xor-i/ «می‌خواهی
 بخوری».

صرف این فعل به عنوان فعل اصلی در زمان حال با اضافه کردن شناسه‌های فعلی و
 همین‌طور «ی» /y/ میانجی جهت سهولت در تلفظ، انجام می‌شود:

مَه /ma/ + شناسه‌های زمان حال: مَه یُم /ma-y-om/ «می‌خواهم»، مَه یِم /ma-
 /y-em/ «می‌خواهیم»

مَه یِی /ma-y-i/ «می‌خواهی»، مَه یِن /ma-y-en/ «می‌خواهید»

مَه یِه /ma-y-ε/ «می‌خواهد»، مَه یِن /ma-y-εn/ «می‌خواهند»

از ستاک گذشته‌ی این فعل برای زمان آینده نزدیک در گذشته استفاده می‌شود:

مست + شناسه‌های زمان گذشته + فعل اصلی به صورت حال التزامی:
 مَسْتَم بِيَزْم /mast-om be-peZ-om/ «می‌خواستم بیزم»، مَسْتِن بِيَزِن /mast-
 en be-peZ-en/ «می‌خواستید بیزید».
 شکل کمکی آن برای ساخت فعل در زمان آینده -خ- /x/ «خواه»، می‌باشد که با
 شناسه‌های فعلی در زمان آینده صرف می‌شود و با سوم شخص گذشته‌ی ساده‌ی افعال،
 زمان آینده را می‌سازد:
 وَر خُم گو /vɛr x-om go/ «خواهم گفت»، خَي دَاش /x-eydš/ «خواهی داشت»،
 خَه دَاش /x-a dš/ «خواهد داشت».

نتیجه

در روزگار معاصر، به دلیل وجود رسانه‌های مختلف، پدیده‌ی جهانی شدن و تفکر یک
 سو گرایی اجتماعی، فرهنگ‌های بومی در معرض اضمحلال قرار دارند. زبان آیینی فرهنگ
 یک ملت است. بدیهی است در چنین جهانی، در هجوم پدیده‌های مخرب فرهنگی،
 اولین قربانی زبان و گویش محلی است. اما گویش‌ها و لهجه‌های محلی میراث ارزشمند
 نیاکان ماست. حفظ زبان، گویش و لهجه محلی، پاسداشت فرهنگ یک ملت است. با
 چنین نگرشی، در این مقاله، نگارندگان کوشیدند تا یکی از وجوه گویش آبیز را مورد
 بررسی قرار دهند. گویش آبیز، از جمله گویش‌های فارسی نو است که در روستای آبیز
 شهرستان زیرکوه در استان خراسان جنوبی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
 دستگاه فعل در این گویش از لحاظ انواع هم‌چون فارسی رسمی، به بسیط (ساده) و
 غیربسیط (پیشوندی، مرکب و عبارت‌های فعلی) تقسیم می‌شود؛ با این تفاوت که تعداد
 افعالی که همراه پیشوند به کار می‌روند بسیار زیادترند و از این حیث یک گروه از افعال
 همیشه با یکی از پیشوندهای وَر- /vɛr-، وَ- /-va/، د- /-de/ استعمال می‌شوند و گروهی
 دیگر نیز با شکل ساده‌ی آن‌ها به کار می‌رود. طبیعتاً معنی فعل، وقتی با آن پیشوندها می‌آید
 متفاوت می‌شود. هم‌چنین مشخص شد که شناسه‌های فعلی در گویش آبیز متفاوت
 از فارسی رسمی است و برای زمان‌های مختلف، شناسه‌های متفاوتی استفاده می‌شود.

منابع

۱. انوری، حسن (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی ۱. به کوشش محمدرضا زادهوش. اصفهان: باشگاه مجازی ادبیات و کتاب‌خوانی.
۲. دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۷). "ساخت‌های سببی در زبان فارسی". *مجله زبان‌شناسی*، سال پنجم، ش اول (بهار و تابستان): ۱۳-۷۵.
۳. رضایی، جمال (۱۳۷۳). *واژه‌نامه گویش بیرجند*. تهران: روزبهان.
۴. زمردیان، رضا (۱۳۷۹). *راهنمای گردآوری و توصیف گویش‌ها*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۵. شیری، علی اکبر (۱۳۸۶). *درآمدی بر گویش‌شناسی*. تهران: مازیار.
۶. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴). *دستور مفصل امروز*. تهران: سخن.
۷. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.
۸. ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۹۰). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. مترجم مهدی سماعی. تهران: نشر مرکز.
۹. مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۰. مهرآوران، محمود (۱۳۸۸). "بررسی عبارت فعلی در دستور زبان فارسی". *مجله فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، سال اول، ش اول (پاییز و زمستان): ۱۲۷-۱۴۴.